



سید رضا تقوی

## خطابه و خطیبان جمعه

بهره‌های بسیاری برده، و نسبت به رشد و کمال آن گامهای نسبتاً بلند و مؤثری برداشته است، یونانیان بوده‌اند که علاوه بر وجود خطیبان توانمند در میان آن ملت، در تدوین اصول و به نظم کشیدن قواعد خطابه، نقش بسیار مهمی را در این عرصه ایفا کرده‌اند.

«فلاسفهای چون افلاطون، سقراط و ارسطو در یونان باستان، فنون خطابه و منطق را مدون ساختند. کتاب خطابه ارسطو و فن سخنوری «گرگیاس» از آثار بجای مانده از آن دوران است که آداب سخن و مبانی

خطبه و خطابه به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در ابلاغ پیام، محدود به دوران اسلامی نیست؛ بلکه در دوران پیش از اسلام نیز وجود داشته است. اعراب جاهلی، همانطور که در شعر و شاعری، ید طولایی داشتند، در خطبه خوانی و خطابه نیز نام تعدادی از خطیبان برجسته، و پاره‌ای از خطابه‌ها را متناسب با فرهنگ و دیدگاه‌های همان دوره برای خود ثبت کرده‌اند. تاریخ، این هنر ارزشمند را برای سایر ملتها نیز ثبت نموده است. از جمله ملت‌هایی که، از فن خطابه

خطابه را در بر دارد.<sup>۱</sup>

عصر ظهور اسلام، عصر اوج فصاحت و بلاغت در میان اعراب بود. شاعران با اشعار خود و سخنوران با خطابه‌های خود، فضای فکری و فرهنگی جامعه را اشغال کرده بودند و با بیان رسا و ادبیات قوی، عواطف آنان را بر می‌انگیختند و سپس بر امواج خروشان احساسات آنها سوار شده و چون ناخدای کشتی، به هر کجا که خاطر خواهشان بود می‌بردند.

در چنین فضایی قرآن بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و آن حضرت از طرف خدای متعال مأموریت پیدا کرد تا با قرائت آیات نورانی قرآن، مردم را به توحید و یکتاپرستی دعوت نماید.

پیامبر خدا، در چنین فضای شاعرانه و خطیبانه‌ای، هم آیات قرآن کریم را عرضه کرد که زبان همه فصحا و بلغا را بست و هم در فرصتهای مناسب، برای ابلاغ پیام الهی خود از خطابه بهره گرفت، ولی خطابه‌های پیامبر با خطابه‌هایی که در جاهلیت ایراد می‌شد تفاوت فراوانی داشت.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطابه را از لحاظ

محتوا و جهت‌گیری تغییر داد و این حرکت که نوعی انقلاب فرهنگی و ادبی محسوب می‌شود، موجب گردید تا در آینده تاریخ اسلام، آثار گرانبگایی چون خطبه‌های امیر مؤمنان حضرت علی، حسین بن علی، علی بن الحسین و زینب کبری رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، و همچنین سایر پیشوایان و شاگردان شایسته آنها به ظهور رسد که شامل مجموعه‌ای عظیم از معارف اسلامی است.

در دورانی که خطبای عصر جاهلیت، به شرک و تفرقه دامن می‌زدند و در سخنان خود از خدایان متعدد تمجید می‌کردند، پیامبر اسلام در اولین خطابه خود، آن مردم را مورد خطاب قرار داد و فرمود:

«يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ، يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ،  
أَدْعُوكُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَخَلْعِ الْأَنْدَادِ وَالْأَصْنَامِ  
وَأَدْعُوكُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي  
رَسُولُ اللَّهِ فَاجِيبُونِي تَمْلِكُونَ بِهَا الْعَرَبَ، وَ  
تَدِينُ لَكُمْ بِهَا الْعَجَمَ وَتَكُونُونَ مُلُوكًا،<sup>۲</sup> اِی  
جمعیت قریش، و ای جماعت عرب،  
شما را به بندگی خدا، و رها کردن

۱. پژوهشی در تبلیغ، ص ۳۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۰.

لَيْسَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجْمٍ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛<sup>۱</sup>  
ای مردم! همانا پروردگار شما  
یکی، و پدرتان نیز یکی می‌باشد. همه  
شما از آدم به وجود آمده‌اید و آدم از  
خاک آفریده شده است. گرامی‌ترین  
شما نزد خداوند با تقواترین شماست.  
هیچ عربی بر عجمی برتری ندارد مگر  
به تقوا و پرهیزکاری.»

همانطور که اسلام، در محتوا و  
جهت گیریه‌های خطبه، تحول و تغییر  
بوجود آورد از لحاظ ظاهر و شکل نیز  
برای خواندن خطبه، آداب و  
شیوه‌هایی را توصیه کرد تا این هنر  
والا، با آراستگی بالا، در خدمت  
آرمانهای خالق دانا قرار گیرد.

ما در اینجا به بخشی از آداب و  
شرایط خطبه و خطابه و خطیب اشاره  
می‌کنیم. بعضی از این آداب جنبه  
مقدماتی برای خطبه دارند و بعضی  
دیگر در متن قرار می‌گیرند.

### الف. آداب خطیب

#### ۱. آمادگی بیان

یکی از اصول موفقیت در کارها

خدایان ساختگی و بتان فرامی‌خوانم،  
و شما را دعوت می‌کنم به اینکه  
شهادت دهید که جز خداوند یکتا،  
خدایی نیست، و من پیام آور خدا  
هستم، پس دعوت مرا اجابت کنید، تا  
در پرتو آن بر عرب چیره شوید، و  
عجم به آئین و طریق شما در آید و  
فرمانروایی و حاکمیت را از آن خود  
سازید.»

زمان جاهلیت بیشتر خطابه‌ها بر  
محور تفاخر به اصل و نسب، اموال و  
ثروت و مسائلی از این قبیل بود که  
قبیله‌ای را بر قبیله‌ای برتری می‌دادند و  
با بیان خصوصیات از مجموعه یا  
فردی، آنها را رسوا می‌کردند و چه بسا  
منازعات بسیار، و جنگهای بی‌شمار،  
از این بابت بوجود می‌آوردند؛ ولی  
اسلام بر این عادات و اخلاق زشت  
خط بطلان کشید و آنها را حول محور  
اعتقاد به خدای یکتا گرد آورد و معیار  
برتری انسانها را «تقوی» معرفی کرد.

پیامبر اکرم ﷺ در حجة الوداع،  
طی خطابه‌ای به مسلمانان فرمود: «أَيُّهَا  
النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أباكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ  
لِأَدَمَ وَآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ وَ أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاكُمُ

۱. البیان والتبیین، ج ۲، ص ۵۴.

## ای ابوذر! هیچ خطیبی نیست مگر اینکه روز قیامت خطبه او و انگیزه اش از آن خطابه ای که ایراد کرده است به او عرضه می شود

خطیب باید با فراهم آوردن اطلاعات علمی و انباشت سرمایه معنوی، مقتضاشناسی مطلوب، کلامی شیرین و دلپذیر، بیانی قوی و قانع کننده، و فصاحت و بلاغتی قابل قبول، خود را برای ورود به حوزه روح و روان مخاطب آماده کند و مخاطب نیز باید خود را برای شنیدن مواعظ و راهنماییهای بلیغ خطیب آماده نماید و البته می دانیم که بخشی از آمادگیهای مخاطب را خطیب باید به وجود بیاورد.

### ۲. آمادگی علمی

از آداب خطبه خوانی در نماز جمعه، آمادگی علمی است. خطیب

«اصل آمادگی» است. کسانی قله های زندگی را تسخیر کردند و در مبارزه با دشمن به پیروزی رسیدند و موانع شکننده را به آسانی از سر راه برداشتند که پیش از ورود به میدان، آماده بودند. همیشه آمادگی نشانی از هوشیاری است و نمودی از تصمیم بر انجام کار. البته میزان و مقدار آمادگی، و تهیه و تدارک امکانات باید متناسب با محدوده مسئولیت و هدف باشد، پس هر چه هدف والاتر، راه دستیابی به آن طولانی تر و سخت تر خواهد بود و طبعاً امکانات و آمادگی بیشتری می خواهد.

اصل آمادگی، به عنوان یک اصل فراگیر، بر همه شئون زندگی انسان حکم فرماست و خطیب جمعه نیز نمی تواند از این امر مستثنی باشد. امام جمعه باید پیش از اینکه بر مسند خطابت جمعه فراز آید و قبل از اینکه زبان به خطبه گشاید، آمادگی لازم را برای انجام چنین کاری داشته باشد تا در ایراد خطبه ها نقش خود را به شایستگی ایفا کند و موفقیت مورد نظر را به دست آورد.

بنابراین خطیب باید پیش از حضور در نماز جمعه و ایراد خطابه، اطلاعات لازم را برای خطابه خود گردآوری و دسته‌بندی کند تا با تسلط بیشتر، پیام خود را به مخاطب ابلاغ نماید. او باید با بهره‌گیری از معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، و بیان محاسن علوم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اثر‌گذاری سخن را افزایش دهد و این موضوع وقتی به خوبی تحقق پیدا می‌کند که امام جمعه، نخست محاسن علوم اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم آورد و سپس آنها را برای مردم بیان نماید.

### ۳. اخلاص خطیب

از دیگر آداب «خطیب» در فرهنگ اسلامی، «اخلاص» است. اخلاص به معنای «خلوص نیت» است و کسی خلوص نیت دارد که انگیزه و نیت خویش را در انجام کارها از مسائلی چون ریا و شرک، هواهای نفسانی و مطامع دنیایی دور نگه بدارد

جمعه باید در هر موضوعی که سخن می‌گوید، اطلاعات لازم و جامع را، پیرامون آن موضوع کسب کرده باشد. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «يَسْتَبْغِي أَنْ يَكُونَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَائِدًا عَلَى نَفْسِهِ وَعَقْلُهُ غَالِبًا عَلَى لِسَانِهِ»<sup>۱</sup> سزاوار است که آگاهی و دانش انسان، فزون‌تر از گفتارش، و نیز عقلش چیره بر زبانش باشد.»

خطیب براساس اصل قرآنی «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»<sup>۲</sup> چیزی را که بدان علم و آگاهی ندارد و یا اطلاعات او نسبت به آن ناقص است، هرگز مطرح نمی‌کند.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «لَا تُخَيِّرْ بِنَا لِمَ تُحِطُ بِهِ عِلْمًا»<sup>۳</sup> از آنچه که به آن احاطه علمی نداری سخن مگو.»  
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیانی کوتاه، مفهومی کلیدی و بلند را، به عنوان اصلی از اصول هدایت و خطابت ارائه نموده و فرموده است: «لَا تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ حَتَّى تَكُونَ غَالِمًا، وَ تَعْلَمَ مَا تَأْمُرُ»<sup>۴</sup> امر به معروف و نهی از منکر مکن، مگر اینکه معلومات لازم را داشته باشی و بدانی که به چه چیزی امر می‌کنی.»

۱. غرر الحکم، شماره ۱۰۹۴۶.

۲. اسراء / ۳۱.

۳. غرر الحکم، شماره ۱۰۱۷۹.

۴. کنز العمال، ج ۳، ص ۷۴.

## بنده‌ای نیست که خطبه‌ای ایراد کند مگر اینکه خداوند از او خواهد پرسید که انگیزه و هدفش از آن خطابه چه بوده است.

و عمل را برای خدا و با انگیزه‌ی خدایی  
انجام دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل  
امین به من خیر داد که خداوند متعال  
فرموده است: «الْإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي  
اسْتَوْذَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحَبَّبْتُ مِنْ عِبَادِي؛<sup>۱</sup>  
اخلاص سِرِّی از اسرار من است و آن  
را در دل هسر کس از بندگانم که  
دوستشان بدارم به امانت می‌گذارم.»

ظواهر زیبا و حجم بزرگ کارها  
دلیل بر محبوبیت بیشتر و یا مقبولیت  
نیست. معیار سنجش عمل و میزان  
محبوبیت آن در پیشگاه خدای  
سیحان، به خاستگاه آن عمل که نیت و  
اخلاص باشد بستگی دارد.

امام علی علیه السلام فرمودند: «لَيْسَتْ  
الصَّلَاةُ قِيَامَكَ وَ قَعُودَكَ، إِنَّمَا الصَّلَاةُ

إِخْلَاصُكَ وَ أَنْ تُرِيدَ بِهَا اللَّهَ وَ خَدَهُ؛<sup>۲</sup> نماز،  
قیام و قعود تو نیست؛ حقیقت نماز  
همان اخلاص تو است و اینکه تنها  
خدا را بخواهی.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّمَا  
الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى؛<sup>۳</sup>  
ارزش اعمال به نیتها بستگی دارد و هر  
که را همان نصیب است که نیت کرده  
باشد.»

روح باید تا دهد طاعات بر

مغز باید تا دهد دانه شجر  
دانه بی مغز کی گردد نهال

صورت بی جان نباشد جز خیال  
در احادیث اسلامی بر این نکته  
تأکید شده است که «نیت انسان مؤمن  
از عمل او بهتر و با ارزش‌تر است.»  
چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «نِيَّةُ  
الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ؛<sup>۴</sup> انگیزه و نیت  
مؤمن از عملی که انجام می‌دهد بهتر  
است.»

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹؛ محجة البيضاء،  
ج ۸، ص ۱۲۵؛ منية المرید، ص ۴۳.

۲. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۱،  
ص ۳۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۴، باب النیة.

**خوشا به حال کسی که عمل  
و علمش، دوستی و  
دشمنیش، گرفتن و رها  
کردنش، سخن گفتن و  
سکوتش، رفتار و گفتارش،  
فقط برای رضای خداوند  
باشد.**

با توجه به مطالب یاد شده، خطیب جمعه باید اساس خطابه را بر پایهٔ اخلاص بنا کند و در گفتار خود انگیزه‌ای جز رضای خداوند متعال نداشته باشد. خطیب اسلامی، در برابر هر کلمه و یا جمله‌ای که بر زبان می‌راند، خود را در پیشگاه خداوند مسئول می‌داند و معتقد است که روزی باید پاسخگوی گفتار خود باشد.

پیامبر خدا فرمود: «مَاسِمِنْ عَبْدِي يَخْطُبُ حُطْبَةً إِلَّا اللَّهَ سَأَلَهُ عَنْهَا مَا أَرَادَ بِهَا»<sup>۲</sup>

۱. دیوان طاقدیس، ملا احمد نراقی، ص ۸۴.

۲. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹۲، حدیث ۲۹۰۱۲.

برای برخی این پرسش پیش آمده که چگونه می‌تواند نیت از عمل بهتر باشد، با اینکه غرض اصلی از نیت، عمل است؟! در پاسخ به این پرسش دلایل بسیاری، توسط اندیشمندان اسلامی بیان شده است. یک دلیل این است که نیت، روح و جان عمل می‌باشد و جان برتر از جسم است، و یا گفته‌اند: نیت علت عمل است و علت، اشرف از معلول است، و یا اینکه در نیت، ریا و خودنمایی وجود ندارد زیرا نیت انسان را غیر از خدا کس دیگری نمی‌داند.

زان سبب فرمود آن شاه اجل  
نیت مؤمن بود به از عمل  
زانکه او جان است و اعمال تو جسم  
نیت معنی بود کردار اسم  
آن کشاند دل سوی دل آفرین  
دل بپردازد زیاده آن و این  
این تنت را باز دارد از وصال  
از برای جسم تو باشد کمال  
جز یکی از کار دل آگاه نیست  
این و آن را در دل کس راه نیست  
کار دل چون باشد از جز او نهان  
کس بجز از او نخواهد زان نشان<sup>۱</sup>

خوشا به حال آن دسته از خطیبان و سخنورانی که در پی کسب رضایت حضرت حق تعالی هستند و گفتار و رفتارشان، سخن و سکوتشان، در جهت خشنودی خداوند است. همانطور که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: «فَطُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِيْلِهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحَبَّةً وَبُغْضَةً وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ»<sup>۱</sup> خوشا به حال کسی که عمل و علمش، دوستی و دشمنیش، گرفتن و رها کردنش، سخن گفتن و سکوتش، رفتار و گفتارش، فقط برای رضای خداوند باشد.»

ادامه دارد....



بنده‌ای نیست که خطبه‌ای ایراد کند مگر اینکه خداوند از او خواهد پرسید که انگیزه و هدفش از آن خطابه چه بوده است.»

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ابوذر را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «یا اباذرا ما من خطیب الا عرّضت علیه خطبته یوم القیامة وما آزاد بها؛ ای ابوذر! هیچ خطیبی نیست مگر اینکه روز قیامت خطبه او و انگیزه‌اش از آن خطابه‌ای که ایراد کرده است به او عرضه می‌شود.» بنابراین خطیب جمعه باید در جایگاه خطابه، خود را در محراب، و در حال عبادت بداند و حقیقت عبادت چیزی جز اخلاص و انگیزه الهی نیست. او باید از هر چیزی که خطابه‌اش را از فضای اخلاص دور می‌کند به شدت پرهیز نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من قام یخطب لایلتمس بها الا ریاء اوقفه الله یوم القیامة موقفا ریاء و سمنعة؛ هر خطیبی که خطابه‌ای را ایراد کند و انگیزه‌اش ریاء و خودنمایی باشد، خداوند روز قیامت او را در جایگاه ریاء و شهرت‌طلبی قرار می‌دهد.»

۱. کتاب الامالی للطوسی، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۷۸۰.  
 ۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۴۸۳، حدیث ۷۵۳۲.  
 ۳. اسد الغابة، ج ۱، ص ۴۰۱.  
 ۴. غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۶۷.